پیامدهای رفاهی سیاست‌های کشاورزی در بازار گندم و نان

آرش دوراندیش*، سیدصفدر حسینی**، افسانه نیکوکار***

طرح مسئله: *ارزیابی سیاست‌های کشاورزی یکی از مباحث مهم در مطالعات اقتصاد کشاورزی است. اقتصاددانان سیاست‌ها را بر اساس رفاه یا زیان اجتماعی که ایجاد می‌کنند مورد ارزیابی قرار می‌دهند. هدف از این مطالعه، بررسی پیامدهای حذف یارانه‌های گندم و نان بر تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان این محصولات و بررسی اثر حذف یارانه‌ها بر مصرف سرانهٔ نان و سهم هزینهٔ این کالا در هزینه‌های خوراکی دهک‌های مختلف درآمدی کشور است.*

روش: *در این مطالعه از رهیافت کمینه‌سازی تغییرات تابع زیان اجتماعی استفاده شده است.*

یافته‌ها: *نتایج پیامدهای رفاهی در بازار گندم نشان می‌دهند که دولت با به‌کارگیری هم‌زمان ابزارهای سیاستی یارانه به مصرف‌کنندگان و قیمت تضمینی برای تولیدکنندگان، حمایت بیش‌تری از مصرف‌کنندگان نسبت به تولیدکنندگان این محصول به عمل آورده است.*

نتایج: *نتایج حاصل از بهینه‌سازی سیاست‌های دولت در بازار گندم، هزینه‌های دولت و زیان اجتماعی را به‌طور عمده از راه کاهش سطح حمایت از مصرف‌کنندگان کاهش می‌دهد. نتایج همچنین نشان می‌دهند که مصرف سرانه و سهم هزینهٔ نان در هزینه‌های خوراکی خانوار پس از اتخاذ سطح بهینهٔ ابزارهای سیاستی، تغییر چشم‌گیری می‌کند و اثر اتخاذ سطح بهینهٔ سیاستی بر سهم هزینهٔ نان در هزینه‌های مصرفی خانوار روستایی بیش از خانوار شهری و در دهک‌های پائین درآمدی بیش از دهک‌های بالای درآمدی است.*

کلیدواژه‌ها: بوت استراپ، زیان اجتماعی، قیمت تضمینی، قیمت یارانه‌ای، گندم

تاریخ دریافت: ***۸۹/۳/۲*** ***تاریخ پذیرش:*** ***۸۹/۱۱/۷***

* دکتر اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد

** دکتر اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تهران <hosseini_safdar@yahoo.com>

*** دکتر اقتصاد کشاورزی، دانشگاه پیام نور خراسان رضوی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

مقدمه

دولت برای حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی، مجموعه‌ای از ابزارهای سیاستی مانند یارانه به نهاده‌های تولید و تعیین قیمت تضمینی برای محصولات کشاورزی و یارانه به مصرف را به طور هم‌زمان به کار می‌گیرد. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸٤ در حدود۹ درصد بودجهٔ جاری و ٤۷ درصد درآمدهای مالیاتی دولت، به یارانه اختصاص داشته است. از کل یارانهٔ پرداختی نیز، در حدود ۱۰/۵ درصد برای حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی و ۸۸ درصد به حمایت از مصرف‌کنندگان مواد غذایی تخصیص داده شده است. بیش از ۲۱ هزار میلیارد ریال از هزینه‌های سیاست‌های حمایتی دولت در بخش کشاورزی، فقط به گندم اختصاص یافته است (سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، ۱۳۸٤). با توجه به اهداف برنامه‌های توسعهٔ مبتنی بر هدفمند کردن یارانه‌ها در اقتصاد ایران، بررسی آثار حذف یارانهٔ گندم بر مصرف سرانه و هزینه‌های خوراکی خانوار در دهک‌های مختلف درآمدی شهری و روستایی اهمیت زیادی دارد.

گندم به صورت نان و سایر فرآورده‌های آن، اصلی‌ترین مادهٔ غذایی مردم ایران است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۸٤)، متوسط مصرف سرانهٔ گندم در مناطق شهری ۱۲۹ کیلوگرم و در مناطق روستایی ۱۸۵ کیلوگرم می‌باشد. هزینهٔ مصرف گندم برای خانوار شهری طی دورهٔ ۸٤-۱۳۷۲ روند افزایشی داشته و از حدود ۸۸ هزار ریال در سال ۱۳۷۲ به حدود ۸۵۰ هزار ریال در سال ۱۳۸٤ افزایش یافته است. در بین گروه‌های ده‌گانهٔ درآمدی نیز، سهم هزینهٔ گندم در دهک اول و دوم، با مقدار ۱۱ و ۹ درصد، بیش‌تر از سایر دهک‌ها بوده است که بیان‌گر ضروری بودن این محصول برای دهک‌های پائین درآمدی است. هزینهٔ مصرف گندم برای خانوار روستایی نیز طی دوره ۸٤-۱۳۷۲، روند افزایشی داشته و از حدود ۱۲٦ هزار ریال در سال ۱۳۷۲ به حدود ۱۱۷۰ هزار ریال در سال ۱۳۸٤ افزایش یافته است. در بین گروه‌های ده‌گانه درآمدی روستایی، سهم هزینه گندم در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

فقیرترین گروه‌ها با مقادیر ۱۵، ۱۳ و ۱۱ درصد در سه دهک اول از سایر گروه‌ها بیش‌تر بوده است.

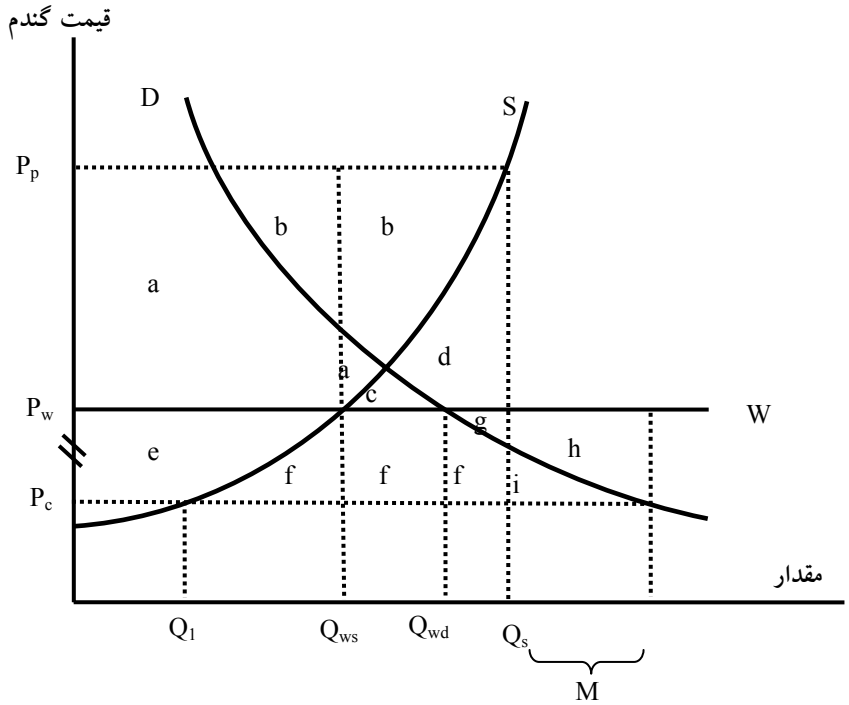
مطالعهٔ حاضر با استفاده از رهیافت مازادهای اقتصادی به دنبال پاسخ‌گویی به این سئوالات است: اثرات رفاهی ابزارهای سیاستی موجود بر تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گندم چیست؟ آثار حذف این سیاست‌ها بر رفاه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان این محصول و آثار آن بر مصرف سرانه و سهم هزینهٔ نان در هزینه‌های خوراکی خانوار در دهک‌های مختلف درآمدی شهری و روستایی چگونه است؟

روش مطالعه

الگوی نموداری و ریاضی که در این بخش برای گندم ارائه می‌شود، بر اساس شرایط بازار این محصول در سال ۱۳۸٤ است. شکل (۱) پیامدهای رفاهی ناشی از به‌کارگیری ابزارهای سیاستی یارانه به مصرف و قیمت تضمینی گندم را نشان می‌دهد. در این شکل، D و S به ترتیب توابع تقاضا و عرضهٔ داخلی گندم را نشان می‌دهند. با فرض وجود تجارت آزاد و در نظر گرفتن ایران به عنوان یک واردکنندهٔ کوچک، W منحنی تقاضای ایران از بازار جهانی در سطح قیمت‌های جهانی (P_W) است. در قیمت‌های جهانی، Q_{WS} مقدار عرضه و Q_{Wd} مقدار تقاضای گندم هستند و $(Q_{Wd} - Q_{WS})$ مقدار واردات گندم است. اما دولت قیمت تضمینی گندم را در سطح P_P تعیین می‌نماید و این امر سبب می‌شود مقدار تولید گندم برابر با Q_S باشد. با در نظر گرفتن قیمت یارانه‌ای P_C برای مصرف‌کنندگان، مقدار تولید داخلی گندم (Q_1) پاسخ‌گوی مقدار تقاضای این محصول (Q_d) نیست. با توجه به قیمت P_P برای تولیدکنندگان گندم و قیمت P_C برای مصرف‌کنندگان این محصول، مقدار واردات گندم برابر با $M = Q_d - Q_S$ می‌شود. نتیجهٔ اتخاذ سیاست‌های قیمتی برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گندم، افزایش رفاه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به‌ترتیب به‌اندازهٔ سطوح $a+b$ و $e+f+i$ می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

هزینهٔ دولت به‌اندازهٔ سطح $a+b+c+d+e+f+g+h+i$ و زیان اجتماعی ناشی از اتخاذ این سیاست‌ها، به‌اندازهٔ سطح $c+d+g+h$ است.



شکل (۱)- پیامدهای رفاهی اجرای سیاست‌های دولت در بازار گندم

فرض می‌شود توابع عرضه و تقاضای گندم به شکل نمایی و به صورت زیر باشد:

$$Q_d = aP_C^{\eta} \qquad \text{تابع تقاضای گندم} \qquad (۱)$$

$$Q_S = bP_P^{\varepsilon} \qquad \text{تابع عرضهٔ گندم} \qquad (۲)$$

در این توابع، Q_d و Q_S به‌ترتیب مقادیر تقاضا و عرضه شدهٔ گندم، η و ε به‌ترتیب کشش‌های تقاضا و عرضهٔ گندم، P_C و P_P به‌ترتیب قیمت‌های پرداختی توسط مصرف‌کننده

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

و دریافتی توسط تولیدکننده و a و b ضرایب انتقال منحنی‌های تقاضا و عرضه هستند. با توجه به تابع تقاضا و عرضهٔ گندم و شکل (۱)، تغییر رفاه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان این محصول بر اثر اتخاذ سیاست قیمت یارانه‌ای و قیمت تضمینی به ترتیب به صورت رابطهٔ (۳) و (٤) بیان می‌شود:

$$\Delta CS = \int_{P_C}^{P_W} aP_C^{\eta}\, dP_C = \frac{Q_d}{P_C^{\eta}(\eta+1)}(P_W^{(\eta+1)} - P_C^{(\eta+1)}) \qquad (۳)$$

$$\Delta PS = \int_{P_W}^{P_P} bP_P^{\varepsilon}\, dP_P = \frac{Q_S}{P_p^{\varepsilon}(\varepsilon+1)}(P_P^{(\varepsilon+1)} - P_W^{(\varepsilon+1)}) \qquad (٤)$$

با توجه به شکل (۱)، هزینهٔ دولت در رابطهٔ (۵) بیان شده است:

$$\Delta TC = (P_P - P_W)\times Q_S + (P_W - P_C)\times Q_d \qquad (۵)$$

که در آن ΔTC تغییر در هزینهٔ دولت در اثر اجرای سیاست غذای ارزان و قیمت تضمینی گندم است. زیان اجتماعی ناشی از سیاست‌های دولت، آن بخش از هزینه‌های دولت است که به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گندم نرسیده است. این زیان اجتماعی با استفاده از رابطهٔ (٦) محاسبه می‌شود:

$$DWL = |\Delta TC| - \Delta CS - \Delta PS \qquad (٦)$$

برای ارزیابی کارآیی سیاست‌های فعلی دولت در بازار گندم از شاخص متوسط کارآیی انتقال (ATE) که نسبت افزایش سطح رفاه اقتصادی گروه‌های هدف را به سطح هزینه‌های دولت نشان می‌دهد، استفاده می‌شود:

$$ATE = \frac{\Delta CS + \Delta PS}{|\Delta TC|} \qquad (۷)$$

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

برای تعیین سطح بهینهٔ ابزارهای سیاستی در بازار گندم، از رهیافت کمینه‌سازی تابع تغییرات زیان اجتماعی استفاده می‌شود:

$$\begin{aligned} \text{Min}\,\Delta D\,WL = & \left[b.P_P{}^{\varepsilon+1} + a.P_W.P_C{}^{\eta} - b.P_W.P_P{}^{\varepsilon} - a.P_C{}^{\eta+1}\right] \\ & -\left[\frac{a}{(\eta+1)}\left(P_W^{(\eta+1)} - P_C^{(\eta+1)}\right)\right] \\ & -\left[\frac{b}{(\varepsilon+1)}\left(P_P^{(\varepsilon+1)} - P_W^{(\varepsilon+1)}\right)\right] \end{aligned} \qquad (۸)$$

در این‌جا ΔDWL، تابع تغییر در زیان اجتماعی است که از تفاضل تغییرات رفاه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان با تغییر در هزینهٔ دولت حاصل می‌شود. تابع فوق با توجه به محدودیت‌های زیر کمینه می‌شود:

۱- اضافهٔ رفاه تولیدکنندگان نسبت به تجارت آزاد غیرمنفی باشد.

$$\frac{b}{(\varepsilon+1)}\left(P_P^{(\varepsilon+1)} - P_W^{(\varepsilon+1)}\right) \geq ۰$$

۲- اضافهٔ رفاه مصرف‌کنندگان نسبت به تجارت آزاد غیرمنفی باشد.

$$\frac{a}{(\eta+1)}\left(P_W^{(\eta+1)} - P_C^{(\eta+1)}\right) \geq ۰$$

۳- میزان تقاضا بیش‌تر از سطح فعلی (۱۱ میلیون تن) باشد.

$$a\,P_C^{\eta} \geq ۱۱۰۰۰۰۰۰$$

٤- عرضه میزان بیش‌تر از سطح فعلی (۱۰ میلیون تن) باشد.

$$b\,P_P^{\varepsilon} \geq ۱۰۰۰۰۰۰۰$$

با کمینه کردن تابع (۸) با توجه به محدودیت‌هایی که در نظر گرفته شده است، ترکیبی از دو ابزار سیاستی قیمت یارانه‌ای و قیمت تضمینی گندم که کم‌ترین زیان اجتماعی را بر جامعه تحمیل می‌کنند به‌دست می‌آید.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

از آن‌جا که برآوردهای حاصل از کمینه‌سازی الگوی (۸)، برآوردهایی نقطه‌ای هستند، نمی‌توان ویژگی‌های آماری آن‌ها را بررسی کرد. لذا با توجه به دامنهٔ کشش‌های عرضه و تقاضای گندم، با استفاده از روش بوت‌استراپ (افرون و تیبشیرانی، ۱۹۹۳)، برای کشش‌های عرضه و تقاضا شبیه‌سازی انجام می‌شود. با استفاده از مقادیر شبیه‌سازی‌شده برای کشش‌ها، زیان اجتماعی ناشی از سطح فعلی و سطح بهینهٔ ابزارهای سیاستی دولت در مقادیر مختلف کشش عرضه و تقاضای گندم محاسبه می‌شود.

سال مبنا برای محاسبات این مطالعه سال ۱۳۸٤ است. مقادیر کشش‌های عرضه و تقاضای گندم از پژوهش‌های گذشته گرفته می‌شود. برای داشتن برآوردهای آماری از سطوح بهینهٔ سیاست‌های دولت، از روش بوت‌استراپ برای شبیه‌سازی مقادیر کشش‌های عرضه و تقاضای گندم و ایجاد داده‌های بیش‌تر استفاده می‌شود. میانگین و انحراف معیار کشش عرضهٔ گندم به‌ترتیب برابر با ۰/٤ و ۰/۲۱ و برای کشش تقاضا به‌ترتیب با ۰/۰۳- و ۰/۰۱ هستند. تعداد ۱۰۰۰۰ مشاهده برای هر یک از کشش‌های عرضه و تقاضای گندم بر اساس توزیع نرمال منقطع ایجاد می‌شوند. برای شبیه‌سازی مشاهدات از نرم‌افزار R و برای محاسبهٔ سطوح رفاهی، از نرم‌افزار Excell و برای حداقل‌سازی تابع زیان خالص اجتماعی از نرم‌افزار Rdonlop۲ استفاده می‌شود.

یافته‌ها

برای اندازه‌گیری پیامدهای رفاهی سیاست حمایتی دولت در بازار گندم از روابط (۳) تا (۷) استفاده شده است. برای محاسبهٔ پیامدهای رفاهی سیاست‌های دولت در سال ۱۳۸٤، قیمت گندم یارانه‌ای برای مصرف‌کنندگان، ۵۸ ریال، قیمت تولیدکنندگان ۱۸۷۰ ریال و قیمت جهانی ۱۳۸۰ در نظر گرفته شده است. مقادیر تولید و واردات گندم به‌ترتیب ۱۰/۹ و یک میلیون تن و مقدار مصرف گندم ۱۱/۹ میلیون تن بوده است. تغییرات پدیدآمده در رفاه گروه‌های هدف، در مقایسه با تجارت آزاد محاسبه شده‌اند. همچنین با استفاده از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

روش شبیه‌سازی بوت‌استراپ، یک فاصلهٔ اطمینان برای برآوردها مشخص شده است که نشان می‌دهد به احتمال ۹۵ درصد، هر یک از تغییرات رفاهی به‌وجود آمده، در چه فاصله‌ای قرار دارند. نتایج حاصل از محاسبهٔ پیامدهای رفاهی سیاست‌های دولت در بازار گندم، در جدول (۱) نشان داده شده است.

نتایج نشان می‌دهد که تعیین قیمت تضمینی در سطح ۱۸۷۰ ریال برای هر کیلوگرم گندم در سال ۱۳۸٤، رفاه تولیدکنندگان این محصول را به‌طور متوسط به‌اندازهٔ ۵۰٤۷/۱ میلیارد ریال افزایش داده است. از سوی دیگر، پرداخت یارانه به نان (سیاست غذای ارزان)، رفاه مصرف‌کنندگان گندم را به‌طور متوسط به‌اندازهٔ ۱٤۷٤۹/۸ میلیارد ریال افزایش داده است. بنابراین دولت با به‌کارگیری هم‌زمان این دو ابزار سیاستی در بازار گندم، رفاه مصرف‌کنندگان گندم را در حدود سه‌برابر بیش‌تر از رفاه تولیدکنندگان این محصول افزایش داده است.

جدول (۱)- تغییرات رفاهی گروه‌های هدف تحت سیاست‌های فعلی دولت نسبت به تجارت آزاد
(میلیارد ریال / درصد)

فاصلهٔ اطمینان		حد بالا	میانگین	حد پایین
تغییر در رفاه تولیدکنندگان	(ΔPS)	۵۳٤۲/۱	۵۰٤۷/۱	٤۷۵۲/۱
تغییر در رفاه مصرف‌کنندگان	(ΔCS)	۱٤۸۱۸/۷	۱٤۷٤۹/۸	۱٤٦۸۱/۰
تغییر در هزینه‌های دولت	(ΔTC)	۲۱۱٦۱/۸		
زیان اجتماعی	(DWL)	۱٦۲۳/٦	۱۳٦٤/۹	۱۱۰٦/۱
متوسط کارآیی انتقال	(ATE)	۰/۹۵	۰/۹٤	۰/۹۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

دولت برای اجرای سیاست‌های خود متحمل ۲۱۱٦۱/۸ میلیارد ریال هزینه شده است. زیان اجتماعی ناشی از اجرای این سیاست‌ها به‌طور متوسط برابر با ۱۳٦٤/۹ میلیار ریال بوده است. کارآیی این سیاست‌ها به‌طور متوسط برابر با ۹٤ درصد بوده است. بنابراین

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

به‌ازای هر ۱۰۰۰ ریال مخارج دولت در حدود ۹۴۰–۸۰۰ ریال به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان منتقل شده و بقیهٔ این مبلغ به صورت زیان اجتماعی از بین رفته است.

برای تعیین ترکیب بهینهٔ ابزارهای سیاستی از رابطهٔ (۸) استفاده شد. سپس پیامدهای رفاهی و زیان اجتماعی سطح بهینهٔ ابزارهای سیاستی محاسبه شد. نتایج در جدول (۲) نشان داده شده است. همان‌گونه که در این جدول مشاهده می‌شود، دو روش متفاوت برای برآورد پیامدهای رفاهی و زیان اجتماعی در نظر گرفته شده است. در روش اول، حالت تجارت آزاد و بدون مداخلهٔ دولت و در روش دوم، ترکیب بهینهٔ ابزارهای سیاستی با فرض متغیر بودن هزینه‌های دولت و رفاه گروه‌های هدف در نظر گرفته شده است.

نتایج نشان می‌دهند که در حالت تجارت آزاد و بدون مداخلهٔ دولت، قیمت مصرف‌کننده و تولیدکننده برابر با قیمت جهانی گندم و در سطح ۱۳۸۰ ریال برآورد شده است. در این سطح قیمت، مقدار تقاضا و عرضهٔ گندم به‌طور متوسط برابر با ۱۰/۸۷ و ۹/۶ میلیون تن بوده‌اند. در حالت تجارت آزاد، تغییرات رفاهی مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان صفر بوده و دولت و مالیات‌دهندگان متحمل هیچ هزینه‌ای نشده‌اند و در نتیجه، هیچگونه زیان اجتماعی به‌وجود نیامده است.

در روش دوم، متوسط قیمت گندم برای مصرف‌کنندگان در حدود ۷۹۰ ریال و متوسط قیمت تضمینی در حدود ۱۸۰۰ تعیین شده است. به‌این ترتیب در سطح بهینهٔ ابزارهای سیاستی، قیمت یارانه‌ای گندم در حدود ۱۳/۶ برابر (حدود ۱۲۰۰ درصد رشد) قیمت یارانه‌ای در وضعیت موجود و قیمت تضمینی در حدود ۰/۹۶ برابر (حدود چهار درصد کاهش) قیمت تضمینی در وضعیت موجود است. بنابراین بهینه‌سازی سیاست‌های دولت در بازار گندم، هزینه‌های دولت و زیان اجتماعی را عمدتاً از راه کاهش سطح حمایت از مصرف‌کنندگان (در مقایسه با کاهش سطح حمایت از تولیدکنندگان) کاهش می‌دهد.

در سطح بهینهٔ قیمت یارانه‌ای، رفاه مصرف‌کنندگان نسبت به حالت عدم‌مداخلهٔ دولت، به‌طور متوسط به‌اندازهٔ ۶۴۹۳/۹ میلیارد ریال افزایش می‌یابد. در سطح بهینهٔ قیمت تضمینی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

گندم نیز، رفاه تولیدکنندگان نسبت به حالت عدم‌مداخلهٔ دولت، به‌طور متوسط به‌اندازهٔ ٤٢٤٥/٥ میلیارد ریال افزایش می‌یابد. به‌کارگیری ابزارهای سیاستی قیمت یارانه‌ای و قیمت تضمینی در سطح بهینهٔ، به‌طور متوسط برای دولت هزینه‌ای به‌اندازه ١١٠٥٤/٥ میلیارد ریال ایجاد می‌کند. بنابراین انتخاب ترکیب بهینه ابزارهای سیاستی در بازار گندم، هزینه‌های دولت را نسبت به حالت عدم‌مداخلهٔ دولت، حدود ٤٨ درصد کاهش می‌دهد. متوسط زیان اجتماعی ناشی از به‌کارگیری ابزارهای سیاستی در سطح بهینه برابر با ٣١٥/٥ میلیارد ریال است.

نتایج نشان می‌دهند که با اتخاذ سیاست در سطح بهینهٔ ابزارهای سیاستی، مقدار متوسط شاخص کارآیی انتقال برابر با ۹۷ درصد است. بنابراین در سطوح بهینهٔ ابزارهای سیاستی قیمت تضمینی و یارانه‌ای در بازار گندم، به‌ازای هر ۱۰۰۰ ریال مخارج دولت در حدود ۹۷۰–۸۳۰ ریال به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود و بقیهٔ این مبلغ به صورت زیان اجتماعی ناشی از اجرای این سیاست‌ها از بین می‌رود. با توجه به سطح متوسط کارآیی این ابزارهای سیاستی در وضع موجود (٩٤–٨٠ درصد) مشاهده می‌شود که به‌کارگیری ابزارهای سیاستی در سطح بهینه، کارآیی این سیاست‌ها را نسبت به سطح فعلی سیاست‌ها، در حدود سه درصد بهبود می‌بخشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

جدول (۲)- آثار رفاهی ناشی از ترکیب بهینهٔ ابزارهای سیاستی قیمت تضمینی و یارانه به مصرف‌کنندگان در بازار گندم

(میلیارد ریال / هزار تن / ریال / درصد)

فاصلهٔ اطمینان	تغییر در رفاه تولیدکنندگان	تغییر در رفاه مصرف‌کنندگان	تغییر در هزینهٔ دولت	زیان اجتماعی	قیمت مصرف‌کننده (ریال)	قیمت تضمینی (ریال)	مقدار تقاضا	مقدار عرضه	متوسط کارآیی انتقال
	(ΔPS)	(ΔCS)	(ΔTC)	(DWL)	(P_C)	(P_P)	(Q_d)	(Q_S)	(ATE)
روش اول: تجارت آزاد									
حد بالا	۰	۰	۰	۰	۱۳۸۰	۱۳۸۰	۱۰۹٤۰	۱۰۸٤۲	–
میانگین	۰	۰	۰	۰	۱۳۸۰	۱۳۸۰	۱۰۸۷۰	۹٦۳۳	–
حد پایین	۰	۰	۰	۰	۱۳۸۰	۱۳۸۰	۱۰۸۰۰	۸٤۲۵	–
روش دوم: ترکیب بهینهٔ ابزارهای سیاستی									
حد بالا	٤۸٤۷/۱	۱۰۷٤۸/٤	۱۵٦٦۹/۱	۵۸۷/۰	۱۱۷۱	۱۸٤۱	۱۱۳۲۷	۱۰۹٤۱	۰/۹۹
میانگین	٤۲٤۵/۵	٦٤۹۳/۹	۱۱۰۵٤/۵	۳۱۵/۵	۷۸۸	۱۷۹٦	۱۱۰۷۷	۱۰۷٤۷	۰/۹۷
حد پایین	۳٦٤۳/٦	۲۲۳۹/۵	٦٤٤۰/۵	٤٤/۰	٤۰۵	۱۷۵۱	۱۰۸۲۷	۱۰۵۵٤	۰/۹۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در ابتدا بیان شد، مصرف سرانه و سهم هزینهٔ نان در هزینه‌های خوراکی خانوار، در مناطق شهری و روستایی و در دهک‌های مختلف درآمدی متفاوت است. به‌طوری که در سال ۱۳۸٤ هزینه‌های خوراکی خانوار در دهک دهم درآمدی در مناطق شهری در حدود ۱۱/٦ برابر دهک اول درآمدی و در مناطق روستایی هزینه‌های خوراکی خانوار در دهک دهم درآمدی بیش از ۹/۲۵ برابر دهک اول درآمدی است. بنابراین وضعیت تغذیه در دهک‌های مختلف درآمدی روستایی نسبت به مناطق شهری تفاوت کم‌تری دارد. در حالی که هزینهٔ صرف شده برای انواع نان در دهک دهم درآمدی فقط

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

۱/۷۳ برابر هزینه صرف‌شده در دهک اول برای مناطق شهری و ۳/۲۲ برابر برای مناطق روستایی است. همچنین سهم هزینهٔ نان در کل هزینه‌های خوراکی خانوار شهری برای دهک اول درآمدی بیش از ۳/۱۵ برابر دهک دهم درآمدی است و برای دهک اول درآمدی در مناطق روستایی در حدود ۲/۸۷ برابر دهک دهم درآمدی است. بنابراین خانوارهای کم‌درآمد، سهم بیش‌تری از هزینه‌های خوراکی خود را به مصرف نان اختصاص می‌دهند.

مقایسهٔ هزینه‌های خوراکی خانوار شهری نشان می‌دهد که متوسط هزینه‌های خوراکی خانوار در حدود ۹۹ درصد در سال ۱۳۸٤ نسبت به سال ۱۳۸۰ رشد داشته است. همچنین هزینه‌های خوراکی خانوار شهری در دهک اول درآمدی در حدود ۹۸ درصد و در دهک دهم درآمدی در حدود ۳۱۱ درصد رشد یافته است. با توجه به این‌که سطح قیمت‌ها در همهٔ دهک‌های درآمدی یکسان است، بنابراین در مناطق شهری، وضعیت تغذیهٔ دهک‌های پایین درآمدی نسبت به متوسط جامعه بدتر شده است.

مقایسهٔ هزینه‌های خوراکی خانوار روستایی نشان می‌دهد که متوسط هزینه‌های خوراکی خانوار بیش از ۱۰۲ درصد در سال ۱۳۸٤ نسبت به سال ۱۳۸۰ رشد داشته است. همچنین هزینه‌های خوراکی خانوار روستایی در دهک اول درآمدی در حدود ۱٤۲ درصد و در دهک دهم درآمدی در حدود ۹٤ درصد رشد یافته است. بنابراین در مناطق روستایی وضعیت تغذیه دهک‌های بالای درآمدی نسبت به متوسط جامعه بدتر شده است.

مقایسهٔ هزینهٔ انواع نان در مناطق شهری برای سال‌های مختلف نشان می‌دهد که متوسط هزینهٔ نان در حدود ۵۳ درصد در سال ۱۳۸٤ نسبت به سال ۱۳۸۰ رشد داشته است. همچنین هزینهٔ انواع نان خانوار شهری در دهک اول درآمدی در حدود ۵۵ درصد و در دهک دهم درآمدی در حدود ٦۱ درصد رشد یافته است. مقایسهٔ سهم هزینهٔ نان در هزینه‌های خوراکی خانوار در دهک‌های مختلف درآمدی مناطق شهری نشان می‌دهد که اولاً این سهم در دهک‌های پایین درآمدی بسیار بیش‌تر از دهک‌های بالای درآمدی است و ثانیاً در همهٔ دهک‌ها این سهم در طی دوره کاهش یافته است، اما این کاهش از روند

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

خاصی پیروی نکرده اما در مجموع می‌توان گفت که کاهش سهم هزینهٔ نان در هزینه‌های خوراکی خانوار، در دهک‌های بالا نسبت به دهک‌های پایین درآمدی بیش‌تر بوده است. بنابراین در جامعهٔ شهری، مردم الگوی تغذیهٔ خود را به سوی مصرف کم‌تر نان تغییر داده و سایر غذاها را جایگزین نان کرده‌اند.

مقایسهٔ هزینهٔ انواع نان در مناطق روستایی برای سال‌های مختلف نشان می‌دهد که متوسط هزینهٔ نان در حدود ۸۲ درصد در سال ۱۳۸٤ نسبت به سال ۱۳۸۰ رشد داشته است. هزینهٔ انواع نان خانوار روستایی در دهک اول درآمدی در حدود ۱۱۰ درصد و در دهک دهم درآمدی در حدود ۷۲ درصد رشد یافته است. بنابراین در دهک‌های پایین درآمدی مناطق روستایی، الگوی تغذیه به نفع نان بیش‌تر تغییر کرده است. مقایسهٔ سهم هزینهٔ نان در هزینه‌های خوراکی خانوار در دهک‌های مختلف درآمدی مناطق روستایی نیز این نکته را تأیید می‌کند. به‌طوری که در دهک‌های پایین درآمدی، این سهم در طی دوره افزایش یافته است اما در دهک‌های بالای درآمدی این سهم کاهش یافته است. همچنین همانند مناطق شهری، این سهم در دهک‌های پائین درآمدی بسیار بیش‌تر از دهک‌های بالای درآمدی است. بنابراین وضعیت تغذیه در دهک‌های پائین درآمدی مناطق روستایی نه‌تنها بدتر شده است، بلکه الگوی تغذیه به‌نفع نان تغییر کرده است که به نظر می‌رسد وضعیت امنیت غذایی اقشار کم‌درآمد روستایی را بدتر کرده است.

برای بررسی اثر اتخاذ ترکیب بهینهٔ ابزارهای سیاستی بر مقدار مصرف نان و سهم هزینهٔ این کالا در هزینه‌های خوراکی خانوارهای شهری و روستایی در دهک‌های مختلف درآمدی، با توجه به سیاست‌های دولت برای حذف یارانه‌های کالایی و تبدیل آن به یارانه‌های نقدی، روش ترکیب بهینهٔ ابزارهای سیاستی دولت انتخاب شد. برای انجام محاسبات، به اطلاعاتی دربارهٔ مقدار مصرف سرانه، سطح قیمت‌ها و کشش قیمتی تقاضا نیاز است. آمار سازمان بازرگانی دولتی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸٤ متوسط مصرف سرانهٔ گندم در حدود ۱۵۷ کیلوگرم و برای مناطق شهری و روستایی به‌ترتیب ۱۳۰ و ۱۸۵

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

کیلوگرم بوده است. در این مطالعه، کشش قیمتی تقاضا برای نان ۰/۰۳ در نظر گرفته شده است. با استفاده از این ارقام برای مصرف سرانه و کشش قیمتی تقاضای نان و همچنین با توجه به آمار هزینه‌های خوراکی و هزینهٔ نان در دهک‌های مختلف درآمدی، پیامدهای اجرای سیاست‌های بهینهٔ دولت در بازار گندم بر مصرف سرانهٔ این کالا در دهک‌های مختلف درآمدی محاسبه و نتایج آن در جداول (۳) برای مناطق شهری و (٤) برای مناطق روستایی گزارش شده است..

محاسبات انجام شده نشان می‌دهد که اگرچه به دلیل کشش بسیار کم تقاضای نان، افزایش قیمت این کالا اثر چشم‌گیری بر مقدار مصرف سرانه نمی‌گذارد اما هزینه‌های صرف شده برای نان را به مقدار چشم‌گیری افزایش می‌دهد. به‌طوری با فرض ثابت بودن قیمت سایر مواد غذایی و هزینه‌های خوراکی خانوار، سهم نان در هزینه‌های خوراکی خانوار شهری به ۲/۴ برابر و در هزینه‌های خوراکی خانوار روستایی به ۳/۳ برابر می‌رسد. به این ترتیب از سهم سایر مواد غذایی در هزینه‌های خوراکی خانوار کاسته می‌شود و با فرض ثبات سایر قیمت‌ها، مقدار سایر مواد غذایی در سبد غذایی خانوار به شدت کاهش می‌یابد. به‌ویژه در دهک‌های پایین درآمدی که سهم هزینهٔ نان در ترکیب بهینهٔ سیاست‌ها در مناطق شهری به حدود ۲۰ درصد و در مناطق روستایی به حدود ۲۵ درصد هزینه‌های خوراکی خانوار می‌رسد. افزون بر این که نمی‌توان این فرض را پذیرفت که با افزایش قیمت نان، قیمت سایر مواد غذایی ثابت خواهد ماند و بدون تردید با افزایش قیمت نان باید انتظار افزایش قیمت سایر مواد غذایی را داشت. این مسئله با توجه به سهم زیاد نان در الگوی تغذیه خانوار به‌ویژه در دهک‌های پائین درآمدی و در نقاط روستایی، به خطر افتادن امنیت غذایی بسیاری از افراد جامعه را نشان می‌دهد. بنابراین در صورت انتخاب ترکیب بهینهٔ ابزارهای سیاستی، باید به‌دقت کاهش قدرت خرید هر یک از دهک‌های درآمدی، محاسبه و برای دهک‌های پائین درآمدی و اقشار نیازمند به‌صورت نقدی جبران شود تا امنیت غذایی همهٔ افراد جامعه تأمین گردد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

جدول (۳)- مقایسهٔ هزینهٔ انواع نان برای دهک‌های مختلف درآمدی در مناطق شهری تحت سیاست‌های فعلی و بهینه در سال ۱۳۸٤ (ریال / درصد)

عنوان	کل	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
کل هزینهٔ خوراکی در سطح فعلی	۱٤۲٥٤۳۷۲	٤۸٥۳۳٦۲	۷۳۹٥۰۸۲	۹۰۸۱٥۲۳	۱۰۳٫٥۹۹۸	۱۱۹۳۳۲۰۱	۱۳٥۳٥۸٦۳	۱٥٦٥۷۸۱	۱۷٦۳۰٤٤۱	۲۰۲۷۸۳۲۳	٥٦٥۲٦۳٦۰
هزینهٔ انواع نان در سطح فعلی	٥٦٦۲٥۳	۳۷۱٦۷۷	٤۸۱۷٤۷	٥۲٥۳٦٥	٥٦۰۰٦۱	٥۹۱۰۷۹	٥۸۳٤۰٦	٥۹۷۰۰۱	٦۲۱٦۲۲	٦۱۹٥٤۷	٦٤٤٥۹٤
سهم نان از هزینه‌های خوراکی در سطح فعلی	۳/۹۷	۷/٦٦	٦/٥۱	٥/۷۸	٥/۳۹	٤/۹٥	٤/۳۱	۳/۸۱	۳/٥۳	۳/۰٦	۲/٤۳
متوسط افراد	٤/۰۷	۲/۸۷	۳/٥۸	۳/۸٥	٤/۰۸	٤/۱۲	٤/۲۲	٤/۳۱	٤/٤۷	٤/٤۰	٤/٤۱
هزینهٔ سرانه نان در سطح فعلی	۱۳۹۱۲۸/٥	۱۲۹٥۰٤/۲	۱۳٤٥٦٦/۲	۱۳۷٤٤٥۸/٤	۱۳۷۲٦۹/۹	۱٤۳٤٦٥/۸	۱۳۸۲٤۷/۹	۱۳۸٥۱٥/۳	۱۳۹۰٦٥/۳	۱٤۰۸۰٦/۱	۱٤٦۱٦٦/٤
قیمت هر کیلو نان در سطح فعلی	۱۰۷۰/۲	۱۰۷۰/۲	۱۰۷۰/۲	۱۰۷۰/۲	۱۰۷۰/۲	۱۰۷۰/۲	۱۰۷۰/۲	۱۰۷۰/۲	۱۰۷۰/۲	۱۰۷۰/۲	۱۰۷۰/۲
مصرف سرانه در سطح فعلی	۱۳۰	۱۲۱	۱۲٥/۷	۱۲۷/٥	۱۲۸/۳	۱۳٤/۱	۱۳۹/۲	۱۳۹/٤	۱۳۹/۹	۱۳۱/٦	۱۳٦/٦
سهم آرد در هزینهٔ نان در سطح فعلی	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲
قیمت آرد در سطح بهینه	۱۷۲٥/٤٥	۱۷۲٥/٤٥	۱۷۲٥/٤٥	۱۷۲٥/٤٥	۱۷۲٥/٤٥	۱۷۲٥/٤٥	۱۷۲٥/٤٥	۱۷۲٥/٤٥	۱۷۲٥/٤٥	۱۷۲٥/٤٥	۱۷۲٥/٤٥

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

عنوان	کل	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
هزینهٔ نان بدون احتساب آرد	۹٤۳/۲۲	۹٤۳/۲۲	۹٤۳/۲۲	۹٤۳/۲۲	۹٤۳/۲۲	۹٤۳/۲۲	۹٤۳/۲۲	۹٤۳/۲۲	۹٤۳/۲۲	۹٤۳/۲۲	۹٤۳/۲۲
هزینهٔ هر کیلو نان در سطح بهینه	۲٦٦۸/٦۷	۲٦٦۸/٦۷	۲٦٦۸/٦۷	۲٦٦۸/٦۷	۲٦٦۸/٦۷	۲٦٦۸/٦۷	۲٦٦۸/٦۷	۲٦٦۸/٦۷	۲٦٦۸/٦۷	۲٦٦۸/٦۷	۲٦٦۸/٦۷
درصد افزایش قیمت نان در سطح بهینه	۱/٤۹	۱/٤۹	۱/٤۹	۱/٤۹	۱/٤۹	۱/٤۹	۱/٤۹	۱/٤۹	۱/٤۹	۱/٤۹	۱/٤۹
درصد کاهش مصرف نان در سطح بهینه	٤/۰٤	٤/۰٤	٤/۰٤	٤/۰٤	٤/۰٤	٤/۰٤	٤/۰٤	٤/۰٤	٤/۰٤	٤/۰٤	٤/۰٤
مقدار کاهش مصرف نان در سطح بهینه	٥/۲۰	٤/۸٤	٥/۰۳	٥/۱۰	٥/۱۳	٥/۳٦	٥/۱۷	٥/۱۸	٥/۲۰	٥/۲٦	٥/٤٦
مقدار مصرف سرانه در سطح بهینه	۱۲٤/۸۰	۱۱٦/۱۷	۱۲۰/۷۱	۱۲۲/٤۰	۱۲۳/۱۳	۱۲۸/٦۹	۱۲٤/۰۱	۱۲٤/۲٥	۱۲٤/۷٤	۱۲٦/۳۰	۱۳۱/۱۱
هزینهٔ سرانهٔ نان در سطح بهینه	۳۳۳۰٤۹/۹	۳۱۰۰۱۰/۹	۳۲۲۱۲۸/٦	۳۲٦٦٥۸/۳	۳۲۸٦۰۰/٦	۳٤۳۳۲/٦	۳۳۰۹٤۱/۸	۳۳۱٥۸۸۲/۱	۳۳۲۸۹۸/۷	۳۳۷۰٦٥/۹	۳٤۹۸۹۷/٥
هزینهٔ خانوار برای نان در سطح بهینه	۱۳٥٥٥۱۳/۲	۸۹۷۳۱/٤	۱۱٥۳۲۰/۲	۱۲٥٧۳٤/۳	۱۳٤۰٦۹۰/٦	۱٤۱٤٤۲/٤	۱۳۹٦٥۷٤/٥	۱٤۲۹۱۱۸/۷	۱٤۸۸۰٥۷/۱	۱٤۸۳۰۸۹/۹	۱٥٤۳۰٤۸/۲
سهم هزینهٔ نان در هزینه‌های خوراکی خانوار در سطح بهینه	۹/٥	۱۸/۳	۱٥/٦	۱۳/۸	۱۲/۹	۱۱/۹	۱۰/۳	۹/۱	۸/٤	۷/۳	٥/۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

جدول (٤)- مقایسهٔ هزینهٔ انواع نان برای دهک‌های مختلف درآمدی در مناطق روستایی تحت سیاست‌های فعلی و بهینه در سال ١٣٨٤ (ریال / درصد)

عنوان	کل	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
کل هزینهٔ خوراکی در سطح فعلی	١٤٣١٣١٠٠	٣٥٩٧٣٨٩	٦٠٧١٢٩٨	٨٢٣٠٤٩٩	٩٩٥٧٠٧٥	١١٥٣٩١٠٢	١٣٤٩٩٩٥٧	١٥٤٣٤٩٨٨	١٨١٠٦٩٣٢	٢١٨٥٠٦٧٧	٣٣٢٥٤٢٩٧
هزینهٔ انواع نان در سطح فعلی	٥٧٣٨٩٥	٢٦٨٤٢٥	٤٠١٦٤٦	٤٦٣٣٩٦	٥١٧٨١٦	٥٤٥٤١٥	٥٦٨٩١٤	٦١٩٢٠٠	٧٠٠٩٧٧	٧٥٢٢٩٢	٨٦٤٩٥٠
سهم نان از هزینه‌های خوراکی در سطح فعلی	٤/٠١	٧/٤٦	٦/٦٢	٥/٦٣	٥/٢٠	٤/٧٣	٤/٢١	٤/٠١	٣/٨٧	٣/٤٤	٢/٦٠
متوسط افراد	٤/٧٣	٢/٥٤	٣/٧٢	٤/٣٧	٤/٦٠	٤/٩٢	٤/٩١	٥/٣٢	٥/٣٥	٥/٥١	٥/٨٦
هزینهٔ سرانهٔ نان در سطح فعلی	١٢١٣٣٠/٩	١٠٥٦٧٩/١	١٠٧٩٦٩/٤	١٠٦٠٤٠/٣	١١٢٥٦٨/٧	١١٠٨٥٦/٧	١١٥٨٦٨/٤	١١٦٣٩١/٠	١٣١٠٢٣/٧	١٣٦٥٣٢/١	١٤٧٦٠٢/٤
قیمت هر کیلو نان در سطح فعلی	٦٥٥/٨	٦٥٥/٨	٦٥٥/٨	٦٥٥/٨	٦٥٥/٨	٦٥٥/٨	٦٥٥/٨	٦٥٥/٨	٦٥٥/٨	٦٥٥/٨	٦٥٥/٨

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

عنوان	کل	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
مصرف سرانهٔدر سطح فعلی	۱۸۵	۱۶۱/۱	۱۶۴/۶	۱۶۱/۷	۱۷۱/۶	۱۶۹/۰	۱۷۶/۷	۱۷۷/۵	۱۹۹/۸	۲۰۸/۲	۲۲۵/۱
سهم آرد در هزینهٔ نان در سطح فعلی	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۱۹
قیمت آرد در سطح بهینه	۱۷۲۵/۴۵	۱۷۲۵/۴۵	۱۷۲۵/۴۵	۱۷۲۵/۴۵	۱۷۲۵/۴۵	۱۷۲۵/۴۵	۱۷۲۵/۴۵	۱۷۲۵/۴۵	۱۷۲۵/۴۵	۱۷۲۵/۴۵	۱۷۲۵/۴۵
هزینهٔ نان بدون احتساب آرد	۵۲۸/۸۴	۵۲۸/۸۴	۵۲۸/۸۴	۵۲۸/۸۴	۵۲۸/۸۴	۵۲۸/۸۴	۵۲۸/۸۴	۵۲۸/۸۴	۵۲۸/۸۴	۵۲۸/۸۴	۵۲۸/۸۴
هزینهٔ هر کیلو نان در سطح بهینه	۲۲۵۴/۲۹	۲۲۵۴/۲۹	۲۲۵۴/۲۹	۲۲۵۴/۲۹	۲۲۵۴/۲۹	۲۲۵۴/۲۹	۲۲۵۴/۲۹	۲۲۵۴/۲۹	۲۲۵۴/۲۹	۲۲۵۴/۲۹	۲۲۵۴/۲۹
درصد افزایش قیمت نان در سطح بهینه	۲/۴۴	۲/۴۴	۲/۴۴	۲/۴۴	۲/۴۴	۲/۴۴	۲/۴۴	۲/۴۴	۲/۴۴	۲/۴۴	۲/۴۴
درصد کاهش مصرف نان در سطح بهینه	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

عنوان	کل	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
مقدار کاهش مصرف نان در سطح بهینه	۷/٤۰	٦/٤٥	٦/٥۹	٦/٤۷	٦/۸٦	٦/۷٦	۷/۰۷	۷/۱۰	٥/۲۰	٥/۲٦	٥/٤٦
مقدار مصرف سرانه در سطح بهینه	۱۷۷/٦۰	۱٥٤/٦۹	۱٥۸/۰٤	۱٥٥/۲۲	۱٦٤/۷۷	۱٦۲/۲۷	۱٦۹/٦۰	۱۷۰/۳۷	۱۹۱/۷۹	۱۹۹/۸٥	۲۱٦/۰٦
هزینهٔ سرانهٔ نان در سطح بهینه	٤۰۰٦۳۲/٤	۳٤۸۷۱٥/٤	۳٥٦۲۷۲/٦	۳٤۹۹۰۷/۱	۳۷۱٤٤۹/۳	۳٦٥۸۰۰/۲	۳۸۲۳۳۷/٦	۳۸٤۰٦۱/۹	٤۳۳۲٤٦/٥	٤٥۰٥۲۲/۸	٤۸۷۰٥۲/۰
هزینهٔ خانوار برای نان در سطح بهینه	۱۸۹۳۷۱۳/۹	۸۸٥۷۳۸/۲	۱۳۲٥۳۳٤/۱	۱٥۲۹۰۹٤/۱	۱۷۰۸٦٦٦/۹	۱۷۹۹۷۳٦/۹	۱۸۷۷۲۷۷/۸	۲۰٤۳۲۰۹/٤	۲۳۱۳۰٥۳/٦	۲٤۸۲۳۸۰/٦	۲۸٥٤۱۲٤/٦
سهم هزینهٔ نان در هزینه‌های خوراکی خانوار در سطح بهینه	۱۳/۲	۲٤/٦	۲۱/۸	۱۸/٦	۱۷/۲	۱٥/٦	۱۳/۹	۱۳/۲	۱۲/۸	۱۱/٤	۸/٦

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه، پیشنهادهای زیر برای سیاست‌گذاری در بازار گندم ارائه می‌شود:

با افزایش قیمت یارانه‌ای، در مقایسه با کاهش قیمت تضمینی می‌توان در هزینه‌های دولت و زیان اجتماعی، صرفه‌جویی بیش‌تری کرد اما باید توجه داشت که گندم، سهم چشم‌گیری در هزینه‌های خوراکی خانوارهای کم‌درآمد دهک‌های پایین درآمدی شهری و روستایی دارد. از سوی دیگر قیمت سایر غلات از جمله برنج در طی سال‌های ۸۷-۱۳۸٤

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

بیش از سه‌برابر افزایش یافته و از ۱۲۰۰۰ ریال به ۳۶۰۰۰ ریال برای هر کیلوگرم رسیده است. لذا جانشینی سایر غلات به‌جای نان در سبد غذایی خانوارهای کم‌درآمد تقریباً غیرممکن است. مجموعه این مسائل باعث شده است که تقاضای گندم بسیار کشش‌ناپذیر شود و در نتیجه، افزایش چشم‌گیر قیمت این محصول، اثر کمی بر تقاضا دارد. لذا دربارهٔ کاهش یارانهٔ گندم برای دهک‌های پایین درآمدی باید با احتیاط بیش‌تری عمل کرد. به‌طور مشخص دولت می‌تواند در قالب سیاست و برنامه‌های هدفمندسازی دو رویکرد را مورد توجه قرار دهد:

اول، هدفمندسازی پرداخت یارانه در دهک‌های درآمدی که با توجه به ساختارهای موجود اجتماعی و نبود اطلاعات قابل اطمینان برای برنامه‌ریزی، از کارآمدی لازم برخوردار نخواهد بود مگر اینکه در ساختارهای اجتماعی موجود و ساختارهای اطلاعاتی، نظام توزیع نان را به‌صورت پلکانی با شیب صعودی مورد توجه قرار دهد.

دوم، بهره‌گیری از نظام قیمت‌گذاری تبعیضی در خصوص انواع نان‌ها (آردهای تحویلی به نانوایی) مبتنی بر دو عنصر تقاضا و مقدار ضایعات نان در مرحلهٔ تولید و مصرف. با استفاده از این نظام قیمت‌گذاری تا حد زیادی می‌توان طرف تقاضا را در جهت کاهش مصرف نان‌های دارای ضایعات بالا و در نهایت کاهش ضایعات و در نتیجه کاهش یارانه‌های تخصیصی هدایت کرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

منابع و مآخذ References

- **پایگاه اطلاع رسانی سازمان اینترنتی مرکز آمار ایران**.http://www.sci.org.ir
- **سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان**، (۱۳۸٤). گزارشات داخلی، منتشر نشده.
- **سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان**. عمل‌کرد سال‌های مختلف. وزارت بازرگانی، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان.
- **شرکت بازرگانی دولتی ایران**. **سال‌های مختلف**. مجموعهٔ گزارشات منتشر نشده.
- مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. ۱۳۸٤. مجموعه گزارشات داخلی.
- Efron, B. and R.J. Tibshirani, 1993. "**An Introduction to the bootstrap**". Champan & Hall /CRC/ Boca Raton Landan New York Washangton, D.C.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]